معاشرت نیکو با اهل سنت در منطق اهل بیت «علیهم السلام»



حجت الاسلام مهدی مسائلی

این توصیه ای دینی است نه سیاسی!

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام، که همه ساله به مناسبت ولادت حضرت فاطمه ی زهرا (سلام ا علیها)صورت می گیرد، بر موضوع وحدت اسلامی تأکیدی دوباره داشتند و فرمودند: «بارها تکرار کرده ایم؛ بعضی حاضر نیستند [گوش کنند]. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده ی حقّ شما را قبول ندارد هدایت کنید، چه کار میکنید؟ اوّل شروع میکنید به مقدّسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ اینکه بکلّی او را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست.»

سوگمندانه باید گفت بعضی از متدینین این سخنان و تأکیدات رهبری انقلاب را توصیه ای سیاسی و حکومتی تلقی می کنند و عمل به آن را از وظایف دینی خویش به حساب نمی آورند، بلکه حتی بعضی این سخنان را

مخالف وظایف و دستورات دینی و مذهبی شیعه تلقی می کنند، این درحالی است که موضوع وحدت اسلامی یکی از وظایف مهم دینی و مذهبی می باشد که ائمه - علیهم السلام – نیز بسیار آن را تأکید قرار داده اند؛ به گونه ای که آن بزرگواران ضمن تأکیدهای فراوان بر ضرورت حفظ اتحاد مسلمین، توجه به آن را از وظایف اصلی شیعیان در برخورد با اهل سنت می دانسته اند.

زینت ما باشید نه ننگ و عار ما!

حقیقت این که ائمه ی اطهار - علیهم السلام - شیعیان را در فضایی بسته و جدای از سایر مسلمانان در نظر نمی گرفتند بلکه به نوع روابط ایشان با اهل سنت و نیز نوع بینشِ آنها درباره ی شیعیان اهمیت زیادی می دادند. آنها بر ترسیم چهره ای خوب و درخشان از شیعه در اذهان عمومیِ مسلمانان تأکید فراوانی داشتند و برای این امر، راهکارهای مختلفی بیان می فرمودند که مهمترین آنها تأکید بر مجالست و معاشرت نیکو با اهل سنت و خوش رفتاری با آنها بود؛ زیرا این گونه رفتار، افزون بر این که تبلیغی مؤثر برای ماهیتِ شیعه در ذهنیت اهل سنت می باشد، با برطرف نمودن بسیاری از تعصبات کور مذهبی و یا سوء تفاهمات میان مسلمانان، آنها را از افتادن در گرداب اختلاف مصون دارد، از همین رو امام صادق - علیه السلام - در این باره می فرمایند:

«یَا مَعْشَرَ الشّیعَةِ! إِنّکُمْ قَدْ نُسِبْتُمْ إِلَیْنَا کُونُوا لَنَا زَیْناً وَ لاتَکُونُوا عَلَیْنَا شَیْناً؛ مَا یَمْنَعُکُمْ أَنْ تَکُونُوا مِثْلَ أَصْحَابِ عَلِیٍّ - رِضْوَانُ اللّهِ عَلَیْهِ - فِی النّاسِ إِنْ کَانَ الرّجُلُ مِنْهُمْ لَیَکُونُ فِی الْقَبِیلَةِ فَیَکُونُ إِمَامَهُمْ وَ مُؤَذّنَهُمْ وَ صَاحِبَ أَمَانَاتِهِمْ وَ وَدَائِعِهِمْ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ صَلّوا فِی مَسَاجِدِهِمْ وَ لا یَسْبِقُوکُمْ إِلَی خَیْرٍ فَأَنْتُمْ وَاللّهِ أَحَقّ مِنْهُمْ بِهِ. ثُمّ الْتَفَتَ نَحْوِی وَ کُنْتُ أَحْدَثَ الْقَوْمِ سِنّاً فَقَالَ: وَ أَنْتُمْ یَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ! إِیّاکُمْ وَ الوسادة [الرّؤَسَاءَ عودوهم] دَعُوهُمْ حَتّی یَصِیرُوا أَذْنَاباً وَ اللّهُ خَیْرٌ لَکُمْ مِنْهُم[1]:ای گروه شیعه! شمایید که به ما منسوب اید؛ برای ما زینت باشید نه مایه ی ننگ و عار. چه مانعی دارد که همانند یاران علی – رضوان ا علیه - در بین مردم باشید؟ که اگر مردی از یاران او در بین قبیله ای قرار می گرفت امام و مؤذن آنها بود و امانتدار و محافظ مال آنان. مریضان آنان را عیادت کنید و در تشییع جنازه ی آنان حاضر شوید و در مساجدشان نماز بگزارید. نگذارید در امر خیر از شما پیشی گیرند، به خدا قسم شما سزاوارتر از آنها به آن امر هستید. راوی می گوید: سپس امام - علیه السلام - رو به من که در آنان از همه جوانتر بودم کرد و فرمود: و شما ای

جوانان! بپرهیزید از تکیه دادن به پشتی [بزرگان، به عیادت آنها بروید] [با عملتان] بخوانیدشان تا حدی که آنها دنباله رو شما شوند و خداوند برای شما بهتر از آنان است.»

خدا جعفر را بخاطر اصحابش رحمت کند!

این روایت و روایات دیگری از این دست نشان می دهد که چگونه افرادی خودخواهانه بدون در نظر گرفتن ملاحظاتِ تبلیغیِ مکتب اهل بیت علیهم السلام به اعمالی دست می زنند که عامه ی مسلمانان را نسبت به مذهب تشیع بدبین و منزجر می کند، چنانچه در روایت دیگری نیز آن حضرت به زید شَحّام فرمودند:

«یَا زَیْدُ! خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلاقِهِمْ، صَلُّوا فِی مَسَاجِدِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَکُونُوا الْأَئِمَّةَ وَ الْمُؤَذِّنِینَ فَافْعَلُوا فَإِنَّکُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِکَ قَالُوا هَؤُلاءِ الْجَعْفَرِیَّةُ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَراً مَا کَانَ أَحْسَنَ مَا یُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَکْتُمْ ذَلِکَ قَالُوا هَؤُلاءِ الْجَعْفَرِیَّةُ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا کَانَ أَسْوَأَ مَا یُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ[2]؛ ای زید! با مردم [یعنی عامه و اهل تسنن] با اخلاقِ خودشان معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بگزارید و مریضانشان را عیادت کنید و در تشیع جنازه هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آنها شوید این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید خواهند گفت: اینان جعفریان اند، خدا او را رحمت کند چه اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید خواهند گفت: اینان جعفریان اند، خداوند جزایش را بدهد چه اصحابش را بد تربیت کرده است.»

با آنها نماز بگزارید

همچنین آن حضرت در روایت دیگری نیز به هِشام کِنْدی فرمودند:

«إِیَّاکُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلا یُعَیِّرُونَا بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوْءِ یُعَیَّرُ وَالِدُهُ بِعَمَلِهِ کُونُوا لِمَنِ انْقَطَعْتُمْ إِلَیْهِ زَیْناً وَ لاتَکُونُوا عَلَیْهِ شَیْناً صَلُّوا فِی عَشَائِرِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ لایَسْبِقُونَکُمْ إِلَی شَیْءٍ مِنَ الْخَیْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَی بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهِ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَیْءٍ أَحَبَّ إِلَیْهِ مِنَ الْخَبْءِ قُلْتُ: وَ مَا الْخَبْءُ؟ قَالَ:

التَّقِيَّةَ[3]: مبادا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند، همانا فرزند بد، پدرش را به کردار او سرزنش کنند، برای کسی که به او دل داده اید [:امام خود] زینت باشید و عیب و ننگ مباشید، در میان خاندانهای آنها نماز بگزارید [به نماز جماعت عامه حاضر شوید] و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه ی آنها حاضر شوید، مبادا آنها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آنها سزاوارتر اید، به خدا سوگند که خداوند به چیزی که برایش محبوب تر از خبء [: نهانکاری] باشد عبادت نشده، عرض کردم خبء چیست؟ فرمود: تقیه.»

همان طور رفتار کنید که ما رفتار می کنیم

کوتاه سخن این که اگر کسی سیره ی اهل بیت - علیهم السلام - را به عنوان الگویی برای زندگی خویش انتخاب نموده باشد و در این مسیر شیعه ی واقعی آن بزرگواران بوده باشد، هیچ گاه در انتخاب چنین روش برخوردی با اهل سنت دچار شک و تردید نخواهد شد، چنان که معاویة بن وهب می گوید:

«قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِاللَّهِ - علیه السلام: کَیْفَ نَصْنَعُ فِیمَا بَیْنَنَا وَ بَیْنَ قَوْمِنَا وَ فِیمَا بَیْنَنَا وَ بَیْنَ خُلَطَائِنَا مِمَّنْ لَیْسَ هُوَ عَلَی أَثَرِنَا قَالَ: تَنْظُرُونَ أَئِمَّتَکُمُ الَّذِینَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ کَمِثْلِ مَا یَصْنَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَیَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ یَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ یُقِیمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَیْهِمْ وَ یُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَیْهِم[4]:به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: رفتار بایسته ی ما با اقوام‌مان و آنان که با آنها معاشرت داریم و شیعه هم نیستند چیست؟

امام - علیه السلام - فرمودند: به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنان پیروی کنید، آن گونه که آنان رفتار می کنند شما نیز همان طور رفتار کنید، به خدا سوگند آنان به عیادت بیماران غیر شیعشان می روند و بر جنازه هایشان حاضر می شوند و به سود و ضرر آنها [هرچه حق باشد] گواهی می دهند و امانتهای آنان را به آنها بر می گردانند.»

جالب اینجاست که امام - علیه السلام- در روایتی دیگر ضمن تأکید بر این مطلب، به راوی می فرمایند:

«أَ تَخَافُونَ أَنْ نُضِلَّکُم؟! لَا وَاللَّهِ لَا نُضِلُّکُمْ أَبَدا![5]: آیا می ترسید گمراهتان کنیم؟! نه به خدا هرگز شما را گمراه نمی کنیم!»

از این روایت به دست می آید که پذیرش چنین رفتاری با اهل سنت در زمان اهل بیت - علیهم السلام - برای اصحابِ خاصِ ایشان نیز مشکل بوده است.

در این جا مناسب است همه را به فتوایی از آیت ا العظمی وحید خراسانی توجه دهیم که منبع و مستند آن، همین روایات نورانی اهل بیت - علیهم اسلام - است:

سؤال: باسمه تعالی. ما جمعی هستیم ساکن در محلی که اهل سنت زندگی می کنند و آنها ما را کافر می دانند و می گویند شیعه کافر است در این صورت آیا ما هم می توانیم با آنها معامله به مثل کنیم و همان طوری که آنها ما را کافر می دانند ما هم با آنها معامله ی کفار کنیم. مستدعی است وظیفه ی شرعی ما را در مقابل این حملات بیان کنید.امضاء: جمعی از مؤمنین

پاسخ ایشان: بسم ا الرحمن الرحیم/ هر کس شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت خاتم انبیا - صلی ا علیه و آله و سلم - بدهد مسلمان است و جان و عرض و مال او مانند جان و عرض و مال کسی که پیرو مذهب جعفری است محترم است. و وظیفه ی شرعی شما آن است که با گوینده ی شهادتین هر چند شما را کافر بداند به حسن معاشرت رفتار کنید و اگر آنها به ناحق با شما رفتار کردند شما از صراط مستقیم حق و عدل منحرف نشوید؛ اگر کسی از آنها مریض شد به عیادت او بروید و اگر از دنیا رفت به تشییع جنازه ی او حاضر شوید و اگر حاجتی به شما داشت حاجت او را برآورید و به حکم خدا تسلیم باشید که فرمود: «و لاَ یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَی أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَی»[6] و به فرمان خداوند متعال عمل کنید که فرمود: «و لاَ تَقُولُواْ لِمَنْ أَلْقَی إِلَیْکُمُ السَّلاَمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»[7] و السلام علیکم و رحمة ا[8]

پانوشت:

[1]. علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص134، ح311 و بحار الأنوار، ج85، ص119.

[2]. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج1، ص383 و شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج8، ص430.(سند این روایت صحیح است. محمد بن علی بن الحسین بإسناده عن زید الشحام)

[3]. شیخ کلینی، کافی، ج2، ص219؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج16، ص219 و بحار الانوار، ج72، ص431.(محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن هشام الکندی)

[4]. شیخ کلینی، کافی، ج2، ص636 ؛ علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص123؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج12، ص6.(سند این روایت صحیح است. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن معاویة بن وهب)

[5]. علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص123و بحار الأنوار، ج85، ص119.

[6]. مائده، 8؛ «و دشمن گیری گروهی به تبهکاریتان نیندازد که دادگری نکنید، دادگری کنید، این به پرهیزکاری نزدیکتر است.»

[7]. نساء،آیه ی 94؛ «و به کسی که اظهار اسلام [یا صلح و آشتی] می کند نگویید از مؤمنان نیستی.»

[8]. منبع: سایت معظم له www.khorasani-vahid.ir

برگرفته از مجله الکترونیکی اخوت